

از خیابان به بیابان! در حاشیه ی آزادی یواشکی!

لیبرالها، و متحدان ملی - مذهبی شان به همراه بخشی از بوروازی بیرون از حکومت، شریک و رقیب و پیرامون حاکمیت در یک امر با هم همزبانند:

جلوگیری از سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی، حفظ مناسبات سرمایه داری برای بورژوازی. همه این فاکتورها درگرومهارو سرکوب جنبش کارگرو انقلاب سوسیالیستی بر آمده از این جنبش است. اصلاح طلبان مرتجع که خود از تثبیت گران حکومت اسلامی و سرکوب انقلاب بهمن ۵۷ بوده اند، با به حاشیه رانده شدن توسط محافظه کاران، باهروزشی به سویی کشیده می شوند، اما پیوسته در پیرامون حکومت سرمایه و دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی به نوسان و در چرخش هستند. این گستره ی منفور، در رنگ های سبز و بنفش هر نماد و سمیل درواقع دشمن آنتاگونیستی طبقه کارگر و لایه های به فلاکت نشانیده شده جامعه بوده و ازهمین روی، مخالف دگرگونی های ریشه ای درجامعه هستند. **موقعیت طبقاتی و ضد انقلابی کارگری شان، به هستی ننگین همین رژیم اسلامی - سرمایه داری استبدادی وابسته است و بقایشان در ماندگاری مناسبات طبقاتی گره خورده است.**

اصلاح طلبان- لیبرال ها، که در هر برآمد جدی در کنار قدرت و حفظ این سیستم قرار گرفته و مانند بخشی از کلیت حکومت جمهوری اسلامی از یک آشخورتغذیه می کنند، هرگز به حقوق انسانی کارگران و ستمدیده گان جامعه نمی اندیشند. شعارها و ادعاهای دما گوزیستی احمدی نژاد، هاشمی رفسنجانی، روحانی، موسوی و کروی و حسن روحانی، فریب کارگران و زحمتکشان است و سرگرم ساختن و انفعال و انحراف افکار عمومی را دنبال می کند. این شعارها و برنامه تنها ایمنی مناسبات حاکم از گزند جنبش طبقاتی، به پیش می برند. در تاریخ سرمایه داری رقابت میان افراد و جناح ها به عنوان یک رقابت درون طبقاتی امری شناخته شده است به همین دلیل نیز تمامی این ها و بخش های رنگارنگ آن، از یک بنیاد بوده و تنها الوانی از شکل و شمایل های گوناگون را به تماشا می گذارند. کارگزارانی از این طیف حکومتی با خیزش اعتراضی سال ۱۳۸۸ در رقابت برای منافع سرمایه در دولت، به بیرون پرتاب شدند، دستگیر و یا به خارج از ایران روانه شدند. آنان اینک، بار دیگر به اصل خویش و به دولت حسن روحانی گرائیده اند. این بخش از نمایندگان سرمایه داری در ایران، با شعار رفرم حاکمیت بورژوایی، نظام سیاسی و اسلامی سرمایه را در اساس تقویت می کند و تنها خواهان آن است تا حاکمیت سیاسی سرمایه داران را، کمی پذیرفتنی ترمی نماید. نئولیبرالیسم ایرانی، نئولیبرالیسم سرمایه جهانی را کارگزاری می خواهد و با سرکوب جنبش کارگری و اعتراض های ستمدیدگان مناسبات طبقاتی توسط این حکومت ای هیچ جنایتی فروگذار نبوده و نیست و با مقوله ولایت فقیه آن و با بنیان گذار این ارتجاع طبقاتی- مذهبی هیچ مشکلی ندارد. بسیاری از کارگزاران و نمایندگان سیاسی این جناح سرازیر شده به بیرون از ایران، با برخورداری از آغوش باز و الطاف بورژوازی جهانی، حتی با اسم و رسم خود و با پاسپورت «پناهنده گی» و تابعیت های دوگانه، به ایران رفت و آمد دارند، به بازرگانی و دلالتی شاغل و در رای گیری های جمهوری اسلامی شرکت می کنند و "هنرمند" و "تحلیل گریسیاسی" و "ژورنالیست" و «کارشناسان» سیاسی رنگارنگ هستند. این جریان ارتجاعی، تا دلتان بخواهد، بی وقفه شبانه روز از دولت «تدبیر و امید» سرمایه به ریاست حسن روحانی که "اعتدال" و میانه روی بین باند رفسنجانی، سران سپاه و بیت رهبری و سیاست های جنایتکارانه بازار آزاد اقتصاد گلوبالیزاسیون را کارگزار شده است، هواداری کرده و سیاست اعدام های شبانه روزی و سرکوب خونین کارگری و کشتار و شکنجه در زندان های سراسر ایران را پشتیبانی می کند (البته چپ های لیبرال نیز خجولانه در کنار همین جریان ارتجاعی هستند، با این تفاوت که دفاع از روحانی را با ادبیات به اصطلاح "مارکسیستی" رنگ و لعاب می زنند). این گماشتگان دون، با گستاخی و بی آرم از این دولت نظامی امنیتی زبان به تمجید و تعریف گشوده و گاهی، برای خالی نبودن عریضه، اینجا و آنجا انتقاداتی آبیکی آن هم به گونه ای مبهم از برخی افراد مبهم به زبان مبهم، بطور مثال شما را رجوع می دهم به نوشته ای از پارمیس ایرانی با انتخاب نام و فامیل شوونیستی که نگران انگشت

شکسته عطاالله مهاجرانی و عمامه معلق شده حجت الاسلام آدمکش عبدالله نوری است (۱) این عناصر فاسد، اما همه در یک محور تمرکز و همزیانی دارند، و آن حفظ نظام و مناسبات ارتجاعی و حاکمیت اسلامی سرمایه است و بس.

اصلاح طلبان و "اپوزسیون" بورژوازی ملی - مذهبی، زمانی مردم را به شرکت در تظاهرات سالگرد حوادث سال ۸۸ دعوت کردند، منتها با شگرد اسب تروا! اینان در لباس دلقک حکومتی سید ابراهیم نبوی عنصر حکومتی و ضد کمونیست، و زمانی با طرح جمع آوری یک میلیون امضاء و آویزان به قبای روحانیون و حوزه و سرداران سپاه و امنیتی ها، به تکاپو افتاده و زمانی با طومار طرح «لغو گام به گام» اعدام که با اتحاد ملی مذهبی ها (ملکی)، اصلاح طلبان (محمد نوری زاد)، سوسیال دموکراتها (فریبرز ربیسی دانا) و لیبرال ها (بابک احمدی) و نیز زمانی با خواندن الله اکبر در تاریکی به پیشنهاد محسن سازگارا (این بنیانگذار سپاه پاسداران از تریبون صدای آمریکا و بی بی سی فارسی) به واکنش پرداخته و اکنون با برخورداری از تریبون ها و رسانه های جهانی سرمایه درسراسرجهان، از جمله سایت اینترنتی «توانا» و تریبون «اندیشه» و گویا نیوز و جرس و راه سبز امید و... به کارگزاری رامین جهانبگلوها و اکبر گنجی ها و عناصر منفوری همانند مهاجرانی ها و ماموریت دارند تا با نشان دادن جامعه مدنی به جای جامعه طبقاتی و تبلیغ آشتی ملی (پروژه جدید بی بی سی) جامعه را سیاست زدایی کند و بگوید «کارگران هیچ چیز نمی خواهند، جز حداقل زندگی»! این ها، همه و همه، سمت و سویی جز پیش گیری و مهار خیزش توده ای و جنبش کارگری و سازمان یابی کارگران ندارند. شگرد جدید اصلاح طلبان و حامیان شرمگین جمهوری اسلامی که بسیار شگفت تر، سازشکارانه تر و در واقع مسخره تر و بزدلانه تر از همه "حرکت های" سابق این دار و دسته می باشد، تاکتیک "آزادی های یواشکی" است.

این راهکار بی خاصیت و در واقع پوچ، مدتی است، به ویژه در فیس بوک ها تبلیغ می شود و اما مبتکر آن مصی (مصی) علی نژاد (معصومه) این ژورنالیست اصلاح طلب و خبرنگار سابق مجلس ارتجاع اسلامی سرمایه، می باشد. وی که یار غار دار و دسته خاتمی و رفسنجانی و همباندی های آنان بوده و اینک در استخدام صدای آمریکا در نقش جارچی به همان وظایف دیرینه گمارده شده است. معصومه قمی (علی نژاد)، به هر روی، توسط مدیای بورژوازی جهانی، از جمله صدای آمریکا، رادیو فردا (وزارت امور خارجه آمریکا)، بی بی سی، اشپیکل، لوموند، فیگارو و وودر هر مجال، به تریبون گسیل می شود تا به تکمیل سناریو اصلاحات و ماندگاری مناسبات حاکم خدمتکار باشد. او در مصاحبه ای که با شبکه «من و تو»، از همان نوع شبکه های بورژوازی و ضد کارگری، و مورد پشتیبانی همه جانبه ثروتمندان و بورژوازی از جمله افاضه کلام نمود که: "بعله من در ایران گاهی در اتومبیل هم روسری ام را بر می داشتم که موهایم باد بخورند، و تا ۳۰ سالگی حتی پدرم هم موهایم را ندیده بود!" (۲) ایشان یعنی از نوزادی هم روسری و شاید که مقته به سر داشت و درخفا، به همین دلیل الان روسری اش را "یواشکی" از سر بر می داشت. پس از بیان این نرمش «یواشکی» و «قهرمانانه» بود که زنان بسیاری برای او (مصی علی نژاد) عکس های یواشکی اشان را فرستادند و او نیز در صفحه فیس بوکش گذاشت. وی سپس افزود که این «حرکت به هیچ وجه سیاسی نیست». ایشان، الگوی یک ژورنالیست راست و اطلاع طلب و سازشکاری است که عوامانه خوب نمایش می دهد. اما عقب مانده، می داند که همه چیز در جامعه ایران، با سیاست در آمیخته است. او می داند اما تجاهل می کند که، زیر حاکمیت رژیم که ارتجاع و اسلام و ولایت فقیه و سرمایه آن را فرمانروایی می کند، حتی خورد و خوراک و خوابیدن و پوشش و اندیشیدن و خواب دیدن نیز سیاسی است. گزمه گان و اوایشان حکومتی اجیر شده، در لشکریان بسیج و در دسته جات گله و گشت ارشاد، جیره خوارند تا حکومت و قوانین شرعی را در سیاست سرمایه، به یاری گیرند و راه رفتن و لباس پوشیدن و روابط مناسبات اجتماعی، همه و همه زیر نظر حاکمیت سرمایه ی اسلامی مدیریت شود. تخطی از قوانین اسلام و سرمایه در چنین مناسباتی، از این روی مجازات دارد که مشروعیت نظام را به چالش می کشند.. از این روی، همه چیز در جامعه ایران سیاسی است، به ویژه، قوانین جزایی و اساسی و حقوقی مربوط به زنان که در قرآن فرموله شده و ستون حکومت را بنیان نهاده است. برخورد به فعالیت های سیاسی که جای خود دارد. امثال او، چون

با اساس و بنیان این حکومت و رژیم مشکلی ندارند، در این تلاش اند که سیاست زدایی کند و تنها با عناصر مورد نفرت مردم گاهی پرسش هایی به میان بگذارند تا به سود جناح دیگری هزینه شوند. او همانند دیگر به خارج گسیل شدگان حکومتی که برای تشکل یابی «اپوزیسیون» حکومتی، با برخورداری از تجربه و امکانات هواداران حکومتی از قماش «نگهدارها» و دیگر اصحاب بی بی سی و صدای آمریکا، شبانه روز در تلاش و دسیسه اند، تا در برابر هر کارزار و جنبشی که کمی پایه های رژیم منفور و بحران زده ی سرمایه داری- اسلامی را به لرزه در آورد بایستند. این عناصر، در اساس و بنیان با این مناسبات و نظام تضادی نداشته، و تنها خواهان تثبیت سیستم و همخوان گردانی نرمهای حکومت اسلامی با روند جاری و عادی جهان سرمایه هستند تا با برخورداری از قانون هم از «آخور و هم از توبره»، فقط کمی راحت تر بتوانند به برون و درون مرز آمد و شد کرده و همراه از آزادی های «غربی» از موهبت سودهای دلالی و سرقت هم بهره ای بریابند و سرمایه ای نیز بگذارند. این شرایط، مناسبترین فرصتی است برای قارچ های حکومتی و از همین روی، رهنمود «آزادی های یواشکی»، از سبب شعبده بازی بیرون می زند. به راستی «آزادی یواشکی» دیگر چه تر من در آوردی و سُخره ای بیخود و بی معنی و بی مزه ای است.

آزادی با «یواشکی» در تضاد است، چرا نباید به زنان رهنمود داد که آشکارا به خیابانها بروند، و با یک حضور جمعی، حجاب اسلامی و سمبل خواری انسان را بردارند، به دور افکنند و در برابرستم مضاعف طبقاتی، دینی، علیه ارباب سالاری اعتراض کنند، و آزادی را فریاد زنند و جنبش رهایی بخش کارگری را پشتیبان شوند! از خیل کارگران سرمایه، هیچ انتظاری نیست تا چنین باشند.

زنان کمونیست ها می گویند، دیگر بس است ما این حکومت سرکوب و کشتار و زور و اسلام و استثمار و شکنجه را نمی خواهیم. از چه روی این عناصر می خواهند وضعیت به همین منوال بماند و در بر همین پاشنه ای بچرخد که از ۳۵ سال پیش تا کنون چرخید است؟ چرا نمی خواهند کارگران با خواسته های طبقاتی خود و گرفتن سرنوشت خویش به دست خویش که در گرو نابودی سیستم سرمایه داری است به خیابان ها سرازیر شوند؟ چرا باید هر کسی در خانه خود "یواشکی" هر روز کشف حجاب کند و حجاب بر دارد، هیچ کس در خانه خود محجبه نیست؟ آشکار است. رهنمود انحرافی منادیان سرمایه، برای انحراف زنان و کارگران و برای به پستی کشانیدن سطح و مفهوم مبارزه است. عناصر اصلاح طلب - نئولیبرال، استاد و کارشناس به هدر دادن انرژی اعتراضی و پتانسیل نیروی کارگران و ستمدیدگان جامعه بوده و از عوامل بقای این سیستم ضد بشری هستند.

چه باید کرد؟ در پاسخ به این سؤال آشنای کمونیست ها باید گفت:

پاسخ ساده است: بورژوازی، با تمامی ابزار و نیروهای خویش، ترس از انقلاب و تغییرات زیر بنایی، فرهنگی- مذهبی و دیگر عناصر ضروری و نگهدارنده مناسبات را دارد، او طرفدار نظم کهنه است و از به میدان آمدن کارگران، زنان، و جوانان و ستمدیده گان در برآمدی سراسری و میلیونی وحشت دارد و به همین دلیل، با رهنمودهای انحرافی از قبیل "آزادی های یواشکی" سعی و وظیفه در مهار کردن اعتراضات رادیکال، متراکم و انباشته شده طبقاتی و اجتماعی دارند.

ما، کمونیست ها، زنان را به همراهی کارگران و تهی دستان شهر و روستا و دیگر لایه های فرودست، برای نابودی سیستم سرمایه داری و برقراری کمونیسم، به انواع اعتراضات آشکار و علنی و آگاهانه و رادیکال برای سرنگونی جمهوری اسلامی فرا می خوانیم. فریب عناصر ترمیم کننده و اصلاح کننده بورژوازی (اصلاح طلبان) را نباید خورد، کلیت رژیم باید از میان برود و به زباله دانی تاریخ سپرده شود، راه دیگری در این میانه نیست.

بورژوازی نئولیبرال، در واقع می کوشد، به شکل سازشکارانه، سازش طبقاتی را میانجی باشد و اعتراضات توده ها را کانالیزه کند و در مجرای مسالمت آمیز، همانطور که تاکنون انجام داده است سوپاپ اطمینان سرمایه باشد و جناح دلخواه خود را جایگزین دولتی سازد که در سرایش فروپاشی است.

هر چه مبارزه توده های کارگر و زحمتکش، زنان و جوانان علیه حکومت جمهوری اسلامی (با همه جناح های آن) گسترده تر شود، و بحران اقتصادی و فقر و بیکاری و استبداد و سرکوب و اعدام و

نارضایتی در درون جامعه افزون تر باشد، اپوزسیون درون حکومتی و بورژوازی، خود را نه در کنار ستم‌دیده گان و استثمار شونده گان، بلکه در کنار استثمارگران و ستمگران می بیند. این جناح از سرمایه داران، بر آن است که در عین حال که به دادن شعارهای پوچ و تو خالی و بی خاصیت (آزادی های یواشکی) سرگرمی می سازد، در همان حال حکومت فلاکت بار و ارتجاعی اسلامی را از ضربات کاری و کشنده کارگران و دیگر بخش های معترض جامعه مصون دارد. در برابر و در پاسخ سرکوب و ارباب و استبداد نباید در دام شعارها و اقداماتی بی اثر و بی خاصیت و آبی همانند «کمپین یک میلیون امضا»، عملیات اسب تروا و «آزادی های یواشکی» ووو افتاد. خشونت بورژوازی و ارتجاع را باید با قهر انقلابی پاسخ داد؛ و این اقدام مستقیم و کارگری، چیزی است که یک لیبرال تبه کار ایرانی، مثل مرگ از آن می ترسد و بی دلیل هم نیست، انقلاب کارگری برای او به منزله ی نابودی و محو حاکمیت، طبقه و ایدئولوژی و فرهنگ منفور و پوسیده اوست.

پیش به سوی سازمان یابی و تدارک انقلاب سو سیالیستی
شرکت سراسری و گسترده کارگران و توده های زحمتکش با خواست های طبقاتی – انقلابی!
مبارزه با رفرمیسم و سازشکاری از هر نوع و نهاد!
پیروز باد سرنگونی سوسیالیستی حکومت جمهوری اسلامی با تمام جناح ها و باندهای آن!
زنده باد کمونیسم!
بنفشه کمالی

۲۲-۰۵-۲۰۱۴

<http://www.roshangari.net/1393/02/26/%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF-%D9%82%D8%B1%D8%A7%DA%AF%D9%88%D8%B2%D9%84%D9%88-%D9%88-%D8%A2%D8%B2%D9%85%D9%88%D9%86-%D8%A2%DB%8C-%DA%A9%DB%8C%D9%88%DB%8C-%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86%D9%86%D8%AF%D9%87>

2 - گفتگوی شبکه دو تلویزیون من و تو با معصومه علی نژاد قمی